



سایه های تنهایی



سرود
ساز: دشاووز



انتشارات نویسندگان پارس

۱۳۹۶

سرشناسه	:	کشاووز ، سارا، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	:	سایه‌های تنهایی / سروده سارا کشاووز
مشخصات نشر	:	شیراز: نویسندگان پارس ، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	:	۸۸ ص.
شابک	:	۹۷۸۸-۶۰۰-۹۷۶۹۵-۶-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر فارسی- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ س ۱۵۲ ش / PIR ۸۳۵۸
رده بند دیویی	:	۸۱۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۷۳۰۹۹۹



انتشارات نویسندگان پارس

سایه‌های تنهایی

شاعر: سارا کشاووز ■ شیراز: نویسندگان پارس

نوبت چاپ: اول، مهر ۱۳۹۶ ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۶۹۵-۶-۸ ■ شمارگان: ۱۰۰۰

حروف چین و صفحه‌آرا: فاطیما یزدانی ■ طبع: بند: مریم قاسمی

قیمت: ۷۹۰۰ تومان

مرکز نشر: شیراز، خیابان فلسطین، حکیمی شرقی، انتشارات نویسندگان پارس

E-mail: nevisandegan.pars@gmail.com

کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست اشعار

- ۱۱..... سخن ناشر.....
- ۱۳..... به بهانه مقدمه.....
- ۱۵..... مستانه.....
- ۱۶..... یوسف.....
- ۱۷..... هوس.....
- ۱۸..... مادر.....
- ۱۹..... گرداب.....
- ۲۰..... شقایق.....
- ۲۱..... ستاره.....
- ۲۲..... آینه دل.....
- ۲۳..... تجلا.....
- ۲۵..... پدر.....
- ۲۶..... غزاله.....
- ۲۷..... خانه به دوش.....
- ۲۸..... نیمکت‌های خالی.....

۳۰.....	دریا.....
۳۱.....	نثار.....
۳۲.....	تکیه.....
۳۳.....	فاتح.....
۳۴.....	حیدر.....
۳۵.....	مهر.....
۳۶.....	مه جبین.....
۳۷.....	کوبان عشق.....
۳۹.....	صبح در تنهایی.....
۴۰.....	گرفتار.....
۴۱.....	رویا.....
۴۳.....	تنهایی.....
۴۵.....	شبانگاهان.....
۴۷.....	بازیگری.....
۴۸.....	خانه کودکی.....
۴۹.....	عصیانگر.....
۵۱.....	طیب.....
۵۲.....	مرده پرستان.....
۵۳.....	بهار.....
۵۴.....	روزگار.....
۵۶.....	مشکل گشا.....
۵۷.....	محفل.....
۵۸.....	هنر.....

۶۰.....	حبس
۶۱.....	عید
۶۲.....	آتش
۶۳.....	جام جهان بین
۶۴.....	دلدار
۶۵.....	مجزه
۶۶.....	سایه دل
۶۸.....	شیرین
۷۰.....	اسارت
۷۲.....	معراج
۷۳.....	شهید
۷۴.....	ولع
۷۵.....	دست
۷۶.....	راز
۷۷.....	چاره
۷۸.....	قمار
۷۹.....	زجر
۸۰.....	دوست
۸۲.....	شعر

شعر در این سرزمین، در کنار یا حاشیه زندگی راه نمی‌پوید، بل، با زندگی آمیخته و با آن یگانه شده‌است. شعر را نباید تفنن و بازی با واژه‌ها دانست. شعر، پارتی از هستی و زندگی قوم و قبیله‌ای است که در این سرزمین از گذشتگان دور تا امروز، زندگی کرده و به شکلی با حیات آنان آمیخته با زیبار و فرهنگ آنان عجین شده و بدل به شناسنامه فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی آنان گردیده‌است. تعریف شعر، کار بسیار مشکلی است. اصل آن یکی از مشکل‌ترین کارها در این زمینه است، شاید بخود گفت که شعر تعریف‌ناپذیرترین چیزی است که وجود دارد. شعر نه به شعری است که حاوی معنی تازه زیبایی باشد و این معنی در مناسب‌ترین و زیباترین قالب بیان ریخته شده‌باشد. همین که معنی به قالب درآمده، طبعاً تابع قیودی است. شرط اصلی در این قیود آن است که قواعد و حدود آنها برای شنونده قابل ادراک باشد. اگر کسی شعری بی‌وزن

بگویند و معنی و مقصود را آنچنان که باید زیبا و دلکش و تمام جلوه بدهد، بیگمان بر کار او ایرادی نمی‌توان کرد. شعر فارسی به عنوان هنر اول ایرانیان از گذشته همواره مورد توجه بوده است تا آنجا که دانشمندان، فلاسفه، منجمان، پزشکان و... بسیاری از معارف و علوم را به زبان شعر در اختیار جامعه قرار می‌دادند و این نشان از تاثیرگذاری و جایگاه والای این هنر در بین فارسی‌زبانان دارد.

«نویسندگان پارس»، اندیشه‌های اهل قلم که در راستای فرهنگ، هویت، تمدن، دین، ابیات و هنر قلم می‌زنند را با افتخار در سرتاسر گیتی منتشر خواهند نمود تا مثل همیشه تاریخ، مردم جهان به وجود و هویت، قلم و اندیشه ایران و ایرانی افتخار نمایند.

آری، «نویسندگان پارس» بر خود می‌بالد که پاتوقی شده است برای اندیشه نویسندگان و شاعران سرزمین پارس.

باشد که «سایه‌های تنهایی» سروده سرکار خانم، اراک کشاورز مورد پسند همگان قرار گیرد. ایدون بادا.

انتشارات نویسندگان پارس

به بدانه خیره

از کوچه پس کوچه ها، ناتمام محله های قدیمی شیراز عبور می کنم. ذهنم تاریک می گردد و پیش های ناموزون قلب، هم چنان تندتر می شود. برای گذر از این همه سیاهی، باید چشمان را نیمه باز گذاشت، برای عبور از این همه درد، هزار ایستگاه متروک فاصله است. از لابه لای پرهای ریخته کبرتران فصل برگریزان عبور و از لانه های پرندگان خیس هفته های نمناک عبور می کنم. آسمان درونم خیس خیس است، چتر آبی زندگی ام که است؟ روزها بر کویر وجودم احساسی وار می بارند. ولی امان از دست صبرهای جمعه که هنوز دلگیرند. بیچاره کلاغ های خیس پاییزی که هنوز در قاب تصویری از برگ های زرد خزان کوچه های بی برگشت، عارقار را بهانه ای برای گریستن می دانند. در گوشه ای از این خرابه های متروک زمان می ایستم، نیمکت های خالی، شبانه روز خمیازه می کشند و من

یک نیمکت خالی به جامانده از هزاره‌های بی‌فرصت را، نقاشی می‌کنم تا شاید روزگاری بر آن یادگاری تکیه دهم. می‌دوم، راه می‌روم و گاهی اندکی با پاهای تاول‌زده تاریخ بر خشت‌های نیمه‌جان می‌ایستم. از دست‌ها برای چشمانم سپری می‌سازم تا شاید خورشید همیشه تاریخ را از پشت غروب‌های نارنجی کوچه‌های بی‌شبگرد مشاهده نمایم. در کنار درختچه‌های کوه باباکوهی، چمباتمه می‌زنم و به ماشاء ساختمان‌های روئیده در شهرم می‌نشینم. اندکی بعد، سایه‌های تنهایی بر هزار تالار جانم نقش می‌بندد.

سارا کشاورز

شیراز، باباکوهی

یکم مهرماه ۱۳۹۶